



است: «اما اینک می‌فهمم که این همه کوشش و تلاش از عشق به کتاب سرچشمه نگرفته است، بلکه ناشی از عشق بزرگ‌تر و پرشورتری است: عشق به ایران.»^۲

جایگاه و مرتبهٔ والای علمی استاد افشار بسیار برتر از آنی است که در این تعریفها بگنجد که نه جای آن در اینجاست و نه او نیاز به چنین نوشته‌هایی دارد و مختصری نیز که در اینجا نوشته شد، مبالغه و گزافه‌گویی نیست و ادای دین شاگردی است به استاد.^۳ مراجعه به فهرست آثار قلمی استاد افشار خود گویای این نکته است که این مشک خود عطرآگین است و بی‌نیاز از تعریف و تمجید.

و اما تاکنون چهار مجلد از مجموعهٔ دفتر تاریخ منتشر شده است: مجلد اول سال ۱۳۸۰، مجلد دوم ۱۳۸۴ که وعدهٔ انتشار آن در یک سال بعد از چاپ نخستین مجلد داده شده بود (ج ۱، ص ۲)، دفتر سوم ۱۳۸۷^۴ و دفتر چهارم که در ۱۳۸۹ چاپ و منتشر شده است.

با مرور هر یک از مجلدهای این مجموعه پی به اهمیت و کار ارزنده و حسن انتخاب و تشخیص درست ایرج افشار خواهیم برد که چگونه اسناد، مدارک و نوشته‌هایی را که هرگز به آسانی به دست نمی‌آیند، از گوشه و کنار گردآوری نموده و همهٔ آنها را یکجا در این مجموعه به چاپ رسانده تا پژوهشگران، بی‌نیاز از جستجو در این سو و آن سوی کتابخانه‌ها، مراکز نگهداری اسناد، بایگانیها و آرشیوهای گوناگون دولتی و غیره و مجموعه‌های شخصی، با مراجعه به آنها به آسانی بدانها دست یابند.

۱. مسعود عرفانیان «دایرةالمعارف کتابفروشی در ایران»، بخارا، شمارهٔ ۷۱، خرداد - شهریور ۱۳۸۸، ص ۳۹۴.

۲. غلامحسین صدری افشار «پنجاه و پنج سال گشت و گذار در گوشه و کنار ایران»، میلاد زخم: جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران، خسرو شاکری، ترجمهٔ شهریار خواجهیان، تهران ۱۳۸۶.

۳. البته یادآوری می‌شود که این‌جانب هیچ‌گاه افتخار شاگردی مستقیم ایشان را نداشته‌ام.

۴. مشخصات سه مجلد منتشر شدهٔ این دفترها چنین است:

دفتر تاریخ، دفتر اول، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۰ش.

دفتر تاریخ، جلد دوم، گردآوری ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۴ش.

دفتر تاریخ، دفتر سوم، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۷ش.

دفتر تاریخ: مجموعه اسناد و منابع تاریخی، دفتر چهارم، به کوشش ایرج افشار، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۸۹ش.

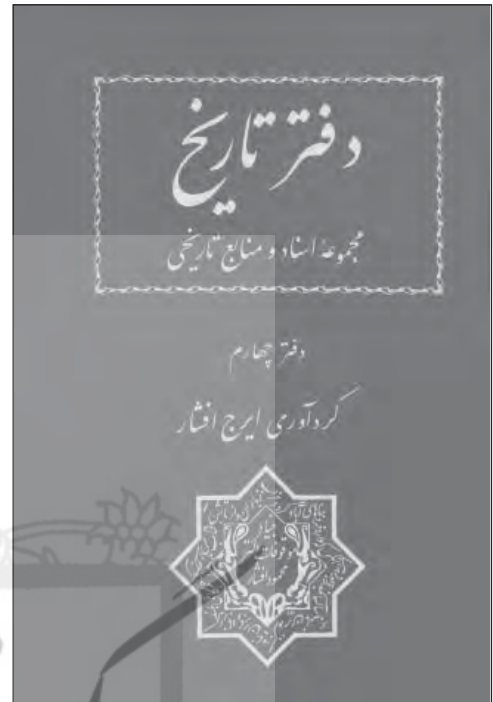
مسعود عرفانیان

دفتر تاریخ عنوان کلی مجموعه‌ای است پر بار از اسناد و منابع تاریخی به کوشش و پایمردی و البته ابتکار استاد ایرج افشار، استاد نام‌آشنا، پرتلاش و شیفتهٔ فرهنگ و تمدن کهن ایران که بیش از شصت سال از عمر پر بار و گرانبه‌ای خویش را وقف شناساندن فرهنگ، تاریخ، تمدن و ادب ایران کرده است و از این بابت حق بزرگی برگردن بسیاری از اهل قلم از پیر و برنا دارد.

دایرة آگاهیهای او در زمینه‌های گوناگون چنان ژرف و گسترده است که در قلم نمی‌گنجد. اما یکی از ویژگیهای بارز و نمایان او همانا عشق و علاقهٔ بی‌پایانش به سرزمین نیاکانش، ایران، و فرهنگ و تمدن دیرپای آن است و نتیجه‌اش نیز همین است که در ۸۵ سالگی هم - که عمر پر بارش دراز باد - آنی دست از تلاش، کار و کوشش در هر چه بیشتر و بهتر شناساندن این فرهنگ پر بار به ایرانیان و جهانیان نمی‌کشد.

یک بار در جایی دیگر نوشته بودم که حکایت مهر بی‌حد و مرز او به ایران و وجه به وجه خاک آن شگفت‌انگیز است.^۱ این را نه تنها من که دیگران نیز گفته‌اند. استاد غلامحسین صدری افشار، مترجم، پژوهشگر و فرهنگ‌نگار نام‌آشنا در بارهٔ کار و کوشش و عشق و علاقهٔ ایرج افشار به ایران در تعبیری زیبا نوشته

با اطمینان و به ضرس قاطع می‌توان گفت که بسیاری از اهل پژوهش در حوزه تاریخ با همه احاطه‌ای که بر منابع و مآخذ دوره‌های گوناگون مورد علاقه و توجه خویش دارند، باز هم بنا به دلایلی — که فرصت واکاوی آن در اینجا نیست — از وجود پاره‌ای از اسناد، مدارک، یادداشتها و نوشته‌های چاپ شده و نشده بی‌خبر هستند.



پس این تلاش درخور ستایشی است از سوی استاد ایرج افشار که همه این نوشته‌ها، اسناد و مدارک را از گوشه و کنار گردآوری نموده و به این شکل مرتب و منظم برای استفاده اهل پژوهش، دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان فراهم کرده است. به تعبیر خود او در باره یکی از این نوشته‌ها در جلد دوم مجموعه که گفته «حتماً نسخه‌اش حکم کبریت احمر دارد» (ص ۴۸۱)، می‌توان بسیاری از نوشته‌های این چهار جلد را چنین دانست.

سه مجلد پیشین دفتر تاریخ

اما پیش از پرداختن به مجلد چهارم دفتر تاریخ، نخست مروری گذرا به مطالب سه مجلد دیگر خواهیم داشت. دو مورد از مندرجات مجلد نخست دفتر تاریخ اختصاص به دوره صفوی دارد. یکی از آنها احکام شاهان صفوی است. به بازرگانان انگلیسی و دیگری متن دستورالملوک است. پس از آن سه سفرنامه کوتاه از دوران قاجاریه و رساله‌ای

موسوم به «مآثرالصدریه» که در ستایش و شرح کارهای میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری است و نیز یادداشت‌های علیم السلطنه (منشی‌باشی شیرازی) در باره رویدادهای دوران مشروطیت، که خود دارای نکات سودمندی است به همراه سه متن جغرافیایی از دوره ناصری و تاریخ سفارت محمد خلیل قزوینی از روزگار فتحعلی‌شاه دیگر نوشته‌های این مجلد است.

در مجلد دوم دفتر تاریخ نیز، تاریخچه صفویان، چند سفرنامه، دستورالعمل‌های کارگزاری مهمان خارجه آذربایجان به میرزا جوادخان مستشارالدوله و محمدابراهیم‌خان معاون‌الدوله غفاری از سال ۱۳۰۸ تا سال ۱۳۱۲، خاطراتی درباره اسماعیل‌خان سمیتکو (سمکو)، نوشته‌ای به نام «تحدید تریاک» از مهدی الحسینی، «تاریخ انقلاب مشروطه» که نوشته‌ای است از فردی به نام بدیک به ترکی استانبولی، «ایران و ایرانیان» که رساله‌ای است به انگلیسی که در سال ۱۹۰۶ در هندوستان به چاپ رسیده و «منوی» هشتمین کنگره بین‌المللی شرقشناسان و چند نوشته دیگر به چشم می‌خورد.

در هشتمین کنگره بین‌المللی شرقشناسان که در سال ۱۸۸۹ در استکهلم برگزار شد، به یادگار مهمانی شامی که داده شد، دفترچه‌ای چاپ شد که در آن طرز تهیه چندین غذا، دسر و پیش‌غذا و نوشته‌هایی به شعر و نثر نوشته شرقشناسان نامی آن روزگار به زبانهای ملل قدیم و به خط آنان به چشم می‌خورد. به عنوان مثال «سومون» سلطنتی به زبان و خط سنسکریت از فردیناند ماکس مولر با ترجمه انگلیسی، «گوشت پرنده پریگوردی» به زبان و خط سریانی از تئودور نولدکه با ترجمه آلمانی، «سالاد» به زبان و خط اکدی از ا. سایسه با ترجمه انگلیسی، «بره و برنج بدویان» به خط و زبان عثمانی از احمد مدحت‌بیک با ترجمه فرانسه، «میوه‌های گوناگون» به خط و زبان جغتایی از ا. وامبری، با ترجمه آلمانی که در آن به بیتی از بسحاق اطعمه اشاره شده است، «خوان سپاس» به زبان فارسی از میرزا حبیب اصفهانی با ترجمه فرانسه و چند دستور غذای دیگر.

در مجلد سوم دفتر تاریخ هم بیست نوشته دیگر شامل «سفرنامه آخال» از دوره ناصرالدین شاه، «سفرنامه خوزستان» سردار سپه نوشته عباس اقبال آشتیانی، «خاطرات ادیب‌السلطنه سمیعی»، «صورت



عریض عارضین و متظلمین مراغه»، «کتابچه غفاریه» (جغرافیای بلوچستان)، «رصدخانه مراغه» نوشته اشلیقی اعتضادالسلطنه، «گزارشهای نظامی جنگ با سمیتقو» و چند نوشته دیگر به چاپ رسیده است.

معرفی کتاب چهارم

در مجلد چهارم دفتر تاریخ نیز تعداد هفده متن گوناگون از خبر، گزارش، خاطره و رساله و مانند اینها به چاپ رسیده است. در زیر، به عنوانهای این نوشته‌ها و نویسندگان آنها اشاره می‌کنیم:

«اخبار بنادر و بیخه‌جات» (سال ۱۲۷۱ عهد طهماسب میرزا مؤیدالدوله)، «الصحيفة النسبية» (خاندان میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک) نوشته علینقی گرمودی اشلیقی، «علل بدبختی ما و علاج آن» نوشته حسن محتشم‌السلطنه اسفندیاری، «افتتاح ناصری» (گزارش اتفاقیه از هجوم شیخ عبیدالله)، «خاطرات و خاندان» نوشته حاج وزیر زنجانی، «رمز الریاحین» سروده رمزی کاسانی، «تذکره آباء» نوشته سلطانعلی مافی، «روزنامه محلات دارالخلافة»، «پرژکت معادن»، «دو یادگار» از حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، «فهرست تألیفات ادوارد براون» (از روی چاپ چاپخانه کویانی برلین؛ LE SHAH، «امضای ادبا و رجال ایران». در زیر در باره آنها، و البته مهم‌ترینشان بیشتر خواهیم نوشت.

«اخبار بنادر و بیخه‌جات» که مربوط به سال ۱۲۷۱ ق — اوایل دوره ناصری — است، از روی چاپ عکسی آن که در مجموعه اسناد متفرقه قدیمی مربوط به ایران آقای محمدعلی کریم‌زاده تبریزی در لندن چاپ شده، توسط خود استاد ایرج افشار استنساخ شده و به شکل حروفی در این مجلد از دفتر تاریخ به چاپ رسیده است. مطالب مندرج در این چهار دفتر اخباری است در باره زراعت غله، سیفی، کمبود غله، رویدادهای فارس (لار، جهرم و ...)، بندر عسلویه، کنگان، مسقط و بصره.

«الصحيفة النسبية» نوشته گرمودی اشلیقی یادداشتهایی است از علینقی انصاری اشلیقی در باره سلسله نسب خاندان خود او و بعد، میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک که اصل آن از سوی یکی از بازماندگان خاندان انصاری، یعنی سرکار خانم نوش‌آفرین انصاری در اختیار استاد ایرج افشار قرار گرفته است و ایشان نیز به دلیل اهمیت

آن، در مجموعه دفتر تاریخ آن را چاپ کرده‌اند. طبیعی است که این نوشته در آگاهی از پیشینه خاندان انصاری دارای نکاتی سودمند و بسیار مفید است که قطعاً می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

«علل بدبختی ما و علاج آن» نگاشته حاجی میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه در سال ۱۳۴۰ ق به صورت چاپ سنگی نشر گردیده و ایرج افشار اقدام به چاپ آن در مجلد چهارم دفتر تاریخ کرده است. به باور بنده این یکی از جالب‌ترین نوشته‌های چاپ شده در مجلد چهارم دفتر تاریخ است، چرا که نویسنده با زبانی ساده و بی‌تکلف و با استفاده از شعرهای شعرا به مناسبت‌های مختلف به آسیب‌شناسی موضوع مورد بحث پرداخته و رهنمودهایی در این باره ارائه نموده و راه‌حلهایی نیز پیشنهاد کرده است؛ موضوعی که هنوز هم مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و متفکران هم‌روزگار ماست.

به باور نویسنده جزوه «حقیقت سادگی و مساوات و مواسات و علم و عمل و عدل و مکارم اخلاق و غیرت و مردانگی را در اسلام می‌توان دید و عملاً در مؤمنین واقعی می‌توان یافت. بلی، دیگران دم از مساوات و مواسات می‌زنند، ولی وقتی کار به دستشان افتاد خود در قصور عالیة سلطنتی جای گرفته و از نعم متکاتره بهره‌مند شده به اتومبیل‌های قیمتی سوار شده فقرا و ضعفا را می‌گذارند که از گرسنگی و فلاکت به هلاکت برسند» (صص ۸۲-۸۳). به دنبال آن نیز افزوده که «صاحب شرع اسلام در بیست و چند سال سلطنت ظاهر و باطن و دنیا و آخرت یک روز گرسنه بود و روز دیگر سیر نمی‌خورد و از آرد جو تغذیه می‌فرمود. پیراهن عوضی نداشت، جامه خود را خود وصله می‌زد، کفش خود را خود پینه می‌کرد، بر خاک می‌نشست، با مسلمانان خفض جناح می‌فرمود، با خدمتکاران در کارخانه شرکت می‌نمود، کرام هر قوم حتی بت‌پرست را احترام می‌گذازد و فقرا را فخر خود می‌شمرد و با فقرا و ضعفا انیس و جلیس بود» (ص ۸۳).

محتشم‌السلطنه با مخاطب قرار دادن جوانان به آنان توصیه می‌کند که «ای جوانان گرمی، آتیه ایران از شماست و سعادت آن در دست شماست. زنهار خود را به زخرف قول غرور نسازید و فریب حرفهای مجوف را نخورید و برای سعادت مملکت و وطنتان خود را آماده سازید...

پس خود را با کمال فروتنی و اجتهاد برای آموختن علم و مکارم اخلاق حاضر سازید» (ص ۷۷). در باب اهمیت قضا و قضاوت و نیز اقتصاد نیز محتشم السلطنه نکاتی را در جزوه بیان کرده است.

«افتتاح ناصری» گزارشی است رساله‌مانند نوشته سرهنگ علی‌اکبر قراگوزلو پیرامون واقعه شیخ عبیدالله که نسخه آن در کتابخانه ناصرالدین شاه بوده و بعدها به کتابخانه ملی منتقل شده است. بدون تردید این گزارش به دلیل نوشته شدن آن در همان زمان وقوع رویداد، دارای اهمیت بسزایی است و به عنوان مأخذ و منبعی دست اول می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران علاقه‌مند در این حوزه قرار بگیرد.

«خاطرات و خاندان» نوشته‌ای است از حاجی وزیر زنجانی که یوسف محسن اردبیلی آن را استنساخ نموده و ایرج افشار نیز آن را در مجلد چهارم این مجموعه گنج‌نامه است. این نوشته در پنج فصل تدوین شده و دارای نکات سودمند و ارزشمندی در باب این خاندان و زادگاه و محل زندگی آنان و به ویژه خمسه است.



«تذکره‌الآباء» تاریخچه خاندان مافی است، نوشته سلطانعلی مافی به کوشش ایرج افشار و بهمن بیانی. این نوشته نیز از اهمیت درخور توجهی برخوردار است،

چرا که در باره یک از خاندانهای حکومتگر نامدار ایرانی است که در روزگاران گذشته و به ویژه در دوران قاجاریه عهده‌دار مناصب مختلفی بوده‌اند. در این نوشته آگاهی‌های سودمندی در باره اصل و منشأ ایل مافی و بزرگان آن وجود دارد که به حتم می‌تواند مورد توجه و استفاده پژوهندگان قرار گیرد.

«پرژکت معادن»، نوشته‌ای است از سویلف که معدنچی بوده است. اصل این نوشته در میان اوراق سید حسن تقی‌زاده بوده که نزد ایرج افشار نگهداری می‌شده و به همراه دیگر کتابها، اسناد و مدارک ایرج افشار به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی سپرده شده است. در این نوشته سویلف در باره اهمیت و فایده معادن فلزاتی که به‌ظاهر به دلیل رسیدن به آب، کار در آنها متوقف گردیده توضیحاتی داده است. او نوشته که رسیدن به آب نه تنها نباید مانع کار شود بلکه باید با خارج نمودن آب کار را ادامه داد، زیرا رگه‌های فلزات در آن عمق به مراتب ضخیم‌تر است و در نتیجه کار حفاری در آن هنگام سودآورتر است. سویلف راهکارهایی ارائه داده و در زمینه استخراج نفت هم نکاتی را گوشزد نموده و در باره صدور آن از راههای گوناگون نیز پیشنهادهایی کرده است. او همچنین در باره اهمیت صادرات نوشته است: «چون حالا متاع دولت علیه ایران به قدر کافی به سایر ممالک حمل نمی‌شود، از این جهت است که تا حالا دولت ایران کشتی تجارتي لازم نداشته است. و از تواریخ معلوم است که هر دولتی که کشتی تجارتي برای خود ترتیب داد، کار تجارت و زراعت و صنعت آن دولت ترقیات کامله حاصل کرده و مخصوصاً عمل تجارت محض حمل متاع خود به خارجه رونق کامل گرفت» (صص ۵۱۶-۵۱۷).

«فهرست تألیفات ادوارد براون» که در سال ۱۳۴۲ق/ ۱۹۲۴م در چاپخانه کایانی برلین به چاپ رسیده است در نوع خود جالب توجه است و مورد استفاده اهل پژوهش. در این فهرست هم آثار خود براون و هم نوشته‌هایی از او که با همکاری دکتر نیکلسون نوشته شده و نیز کتابهای اوقاف گیب که به سعی و کوشش شرق‌شناسان مختلف تهیه و چاپ گردیده است به تفکیک آورده شده است.

"LE SHAH" عنوان کاریکاتورهایی است از مظفرالدین شاه قاجار که در شماره ۲۲۵ مجله L'Assiette au Beurre در ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۵ به چاپ رسیده است و

شقائق النعمانية في علماء الدولة العثمانية، تأليف
عصام الدين احمد طاشكبري زاده (۸۵۷-۹۳۵ق)،
تصحیح و تحقیق سید محمد طباطبائی بهبهانی
(منصور)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس
شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ش.

علی نویدی ملاطی



سنت نگارش شرح حال وفيات از دیرباز در تمدن اسلامی رواج داشته و مؤلفان در دوره‌های مختلف به تدوین این گونه کتابها پرداخته‌اند. البته تقسیم‌بندیهای متفاوتی نیز در این بین لحاظ شده که بر همان اساس هم تألیفات مورد نظر صورت گرفته است: بر اساس نسب (کتاب الأنساب سمعانی)، به لحاظ تاریخ زندگی وفيات تا زمان زندگی مؤلف (وفیات الأعیان از ابن خلکان، فوات الوفيات از ابن شاکر، الوافی بالوفیات از صفدی)، بر اساس مذهب (شافعی: طبقات الشافعية الكبرى از سبکی؛ حنفی: جواهر المصیئنه فی طبقات الحنفیه از ابن ابی الوفا، تاج التراجم فی طبقات الحنفیه از ابن قطلوبغا؛ حنبلی: طبقات الحنابلة از محمد بن ابی یعلی فراء البغدادی الحنبلی)، بر اساس اشتغال مستمر افراد (طیب: طبقات الأطباء از ابن ابی اصیبعه؛ مفسر: طبقات المفسرین از ذهبی؛ فیلسوف: طبقات الحکما از شهرزوری؛ خلیفه: طبقات الخلفاء از سیوطی؛ محدث: طبقات المحدثین از ذهبی؛ ادیب: تاریخ الأدبا از ابن

با تصویر روی جلد در مجموع شانزده کاریکاتور را شامل می‌شود که در زیر هر یک از تصاویر نیز نوشته‌هایی به فرانسه دیده می‌شود که در نوع خود بسیار جالب است. آخرین بخش نوشته‌های این مجلد از دفتر تاریخ، نمونه امضاهای ادبا و رجال ایران میان دو سال ۱۳۲۳-۱۳۲۴ خورشیدی است. خود ایرج افشار در توضیح این بخش نوشته است: «دوره سوم مجله آینده از مهر ۱۳۲۳ تا اسفند ۱۳۲۴ انتشار یافت و چون طومار آن بسته شد من امضاهای ادبا و رجال معروف وقت را از ورقه‌های اشتراک و رسید مجله جدا ساختم و در دفتری به سلیقه عهد جوانی چسبانیدم و بعدها آن را به فرزندم آرش سپردم. چون شناخت امضای رجال برای بازشناسی اوراق و اسناد رسمی مملکتی مفید است، تصویر آن دفترچه با افزودن فهرستی الفبایی از نامها در دفتر تاریخ چهارم به چاپ رسانیده می‌شود» (ص ۶۰۸).

در میان صاحبان امضاها نامهایی چون منوچهر اقبال، اسمعیل امیرخیزی، ملک الشعراى بهار، ذبیح بهروز، ابراهیم پورداود، جعفر پیشه‌وری، صدیقه دولت‌آبادی، دینشاه ایرانی، غلامعلی رعدی آذرخشی، سردار فاخر، اللهیار صالح، علی پاشا صالح، لطفعلی صورتگر، طاهرزاده بهزاد، بزرگ علوی، قاسم غنی، نصرالله فلسفی، مصطفی فاتح، احمد کسروی، فریدون کشاورز، هانری گربن، لورنس لکه‌هارت، محمد مصدق، مستشارالدوله صادق، سعید نفیسی و حبیب یغمایی و دهها تن دیگر به چشم می‌خورد.

تنوع مطالب، نایاب بودن و برای نخستین بار چاپ شدن پاره‌ای از این اوراق و نوشته‌ها که در کنار یکدیگر مجلد چهارم دفتر تاریخ را تشکیل داده‌اند، و قرار گرفتن این مجلد در کنار سه مجلد دیگر، مجموعه‌ای بسیار مهم و خواندنی را به وجود آورده است که بی‌گمان بسیاری از پژوهشگران به ویژه در حوزه تاریخ از مراجعه به آن بی‌نیاز نخواهند بود.

در پایان هر یک از نوشته‌ها فهرستهایی، مانند فهرست نام اشخاص، نام اماکن، اصطلاحات، طوایف و در صورت لزوم دیگر فهرستها تهیه و در دسترس خواننده قرار گرفته است که کار او را در دست یافتن سریع به آگاهیهای مورد نیاز ساده خواهد کرد. ■

انباری، معجم‌الادب‌از یاقوت حموی؛ قاری: طبقات القرّاء از عبدالوّهّاب بن یوسف ابن سلار و ...)

این سنت تا دوران متأخر نیز ادامه یافته و کتابهایی از نوع ریحانة الأدب از محمدعلی مدرس تبریزی به تألیف درآمده است که از آخرین نمونه‌های آن می‌توان از نادره کلّان (وفیات سال ۱۳۰۴ تا سال ۸۱) تألیف زنده‌یاد استاد ایرج افشار یاد کرد.

زندگی طاشکبری

عصام‌الدین ابوالخیر احمدبن مصلح‌الدین مصطفی‌بن خلیل مشهور به «طاشکبری‌زاده» دانشمند ایرانی‌الأصل قرن دهم، منتسب به روستای طاشکبری، از ولایات قسطنطنیه آناتولی، در سال ۹۰۱ق در شهر بروسا به دنیا آمد. وی در کتاب خود به تبار ایرانی خود تصریح کرده، از «حاجی صفا» به عنوان اول نفر از نیاکان خود نام می‌برد (ص ۴۱۱) که به سبب فتنه مغول از بلاد عجم به سمت بلاد روم گریخته بودند. او در این کتاب از مادر و پدرش نیز یاد کرده و شرح مبسوطی از آنها ذیل نام خود (صص ۴۷۱-۴۷۷) آورده است.

وی در مدرسه‌های بروسا، مولی خسرو، دیمتوقه و مولی ابن‌الحاج حسن به تحصیل اشتغال داشته و پس از اتمام دوره تحصیلات، در مدارس چون اسحاقیه اسکوب، قلندرخانه، مدرسه مصطفی‌پاشای، مدرسه سلطان بایزید خان به کار تدریس پرداخته است. وی بسیاری از کتب را نزد بسیاری از استادان میرز آن دوران، چون پدرش، قوام‌الدین قاسم (عمویش)، محیی‌الدین الفناری، محمد القوجوی، قاضی‌زاده رومی مشهور به میرم چلبی، محمد التونسی به درس خوانده است.

بجز تدریس، قضاوت نیز از دیگر مشغله‌های طاشکبری‌زاده بود که در سال ۹۵۲ق بدان پرداخته است؛ شغلی که به قول خودش عمرش را در آن کار تلف کرده است (فیما ضیعة الأعمار!) (ص ۴۷۶). در سال ۹۵۸ق مجدداً به منصب قضاوت شهر قسطنطنیه منصوب شد. سپس در سال ۹۶۱ق به عارضه چشم‌درد دچار شد که ماهها ادامه یافت و سرانجام باعث کوری چشم او شد.

سبب و شیوه تألیف

طاشکبری انگیزه خود را از نگارش این اثر این گونه بیان کرده که از سنین جوانی میل شدیدی به کسب اطلاع از احوال دانشمندان و اخبار آنها داشته و نیز ترس این داشته که مبدا به سبب بی‌توجهی به ثبت و ضبط احوال دانشمندان این خطه، اسم و رسمی از آنها باقی نماند. لذا به درخواست برخی از دانشمندان و بزرگان، با استعانت از خدا به جمع‌آوری مناقب دانشمندان روم و تألیف کتابش پرداخته است.

شقائق النعمانیة از جمله آثار ارجمند شرح حال نویسی در آسیای صغیر است که خود به تنهایی کتابخانه‌ای است عظیم با فواید بسیار، که اگر نمی‌بود، گوشه‌هایی از تاریخ ایران همچنان ناشناخته باقی می‌ماند.

از آنجا که مؤلف تاریخ فوت بسیاری از رجال کتاب را نیافته، کتاب خود را به ترتیب پادشاهان معاصر هرکدام بر ده باب مرتب گردانیده است، یعنی از سلطان عثمان غازی ارطغرل (۶۹۹ق) تا سلطان سلیمان قانونی (۹۲۶ق). این محدوده تاریخی تقریباً یک دوره سصدساله را دربرمی‌گیرد که به ویژه به دلیل کمی اطلاعات ما از این حوزه جغرافیایی که دانشمندان ایرانی‌تبار در آن می‌زیستند، بسیار حائز اهمیت است.

این اثر چندان بعد از تألیف مورد توجه قرار گرفت که دیول بسیاری بر آن نوشته شد. جناب آقای سید محمد طباطبائی بهبهانی، مصحح دانشمند کتاب به سیزده ذیل نگاشته شده بر این اثر کم‌نظیر اشاره کرده‌اند.

برخی نکات جالب توجه در کتاب

- اطلاع بر نام بسیاری از دانشمندان ایرانی که از سرزمین مادریشان به عثمانی صغیر کوچ کرده بودند.
- اطلاع بر نام بسیاری از قصبات و قرای عثمانی؛ اسامی‌ای که برای علاقه‌مندان متون فارسی، به واسطه تألیفات صورت گرفته در این حوزه، کمتر ناآشناست.
- وجود نامهای فراوان فارسی که در طول چند صد سال در آن منطقه متداول بود؛ نامهایی چون پوستین‌پوش (ش ۲۵)، سوخته‌سنان (ش ۳۷۶) و ...
- اطلاع بر این نکته که عمده افراد یادشده در کتاب،



محمد فاتح قسطنطنیه را فتح کرد به مدرسه تبدیل شدند (ش ۹۱).

- نقل بیتی فارسی از مولی علاءالدین علی الطوسی:

دلا گدائی و رندی ز پادشاهی به

دمی فراغتِ خاطر ز هر چه خواهی به

ش ۸۹

- اطلاع بر نام معیدان دروس: مولی مصلح‌الدین مشهور به خواجه‌زاده و مولی شمس‌الدین مشهور به خیالی (ش ۸۶).

- اطلاعاتی در باره شکل و هیأت ظاهری علما (ش ۸۶، کوتاهی قد، ش ۱۰۸، ۱۱۷، ریش)، روحیات و خلیاتشان، چگونگی کتابت (ش ۹۷، تندنویسی) و مدت آن و قضاوت دربار، خط افراد (ش ۴۰، ۹۴، ۹۷، ۱۱۷).

کتاب با فهرسی که اعلام، کتب و رسائل و اماکن را در بر می‌گیرد به پایان می‌رسد.

نکاتی در باره این چاپ

چاپ این کتاب از بایسته‌های نشر در این زمان بود که با عنایت جناب آقای طباطبائی منتشر شد. اما آنچه در خصوص رسم‌الخط برخی اعلام این کتاب گفتنی است، ناهمگونی ضبط برخی اعلام دارای حروف «پ، ژ، گ، چ» است. بایسته بود برای همگونی رسم‌الخط شیوه واحدی اتخاذ می‌شد تا خواننده به هنگام مطالعه کتاب، دوگانگی رسم‌الخطی را در ضبط برخی اعلام احساس نکند. برای نمونه برای نگارنده معلوم نشد که ضبط گاف در چند اسم علم، چرا باید به دو صورت باشد: جهانگیر (ص ۳۰۴)، مولی الگورانی (ص ۳۰۴)، مولی یگان (ص ۷۴)، جنکیز خان (ص ۱۱۸)؛ یا ضبط چ در این اسمها: قوشچی (ص ۲۸۹)، چوی‌زاده (ص ۲۷۸)، چلبی خلیفه (ص ۲۳۷)؛ خصوصاً «آشچی» (ص ۳۹۷) که به جهت داشتن پسوند «چی» با قوشچی برابر است اما به صورت «قوشچی» ضبط شده است.

البته این نکته به هیچ روی از زحمات بسیاری که دوست دانشمند، جناب آقای دکتر طباطبائی برای احیای این کتاب عزیزالقدر متحمل شده‌اند نمی‌کاهد.

دارای گرایشهای صوفیانه بوده و به تدریس و قضا در شهرهایی چون بوسا اشتغال داشته‌اند.

- اشاره به ثروت عظیم برخی مشایخ و زاویه‌هاشان و ارتباطشان با پادشاهان (نک: مولانا آده بالی قرامانی (د ۷۲۶ق)).

- اشاره به مشاهدات شخصی مؤلف. طاشکبری می‌گوید: کتاب شرح الوقایه از مولی علاءالدین الأسود «قره خواجه» (د ۸۰۰ق) را دیده که در دو مجلد بوده و از آنها استفاده‌ها برده است.

- اطلاع بر نکته جالبی درباره مدرسه مسلسله شهر قرامان. بانی مدرسه شرط کرده بود که تنها کسانی می‌توانند در این مدرسه تدریس کنند که صحاح جوهری را از حفظ داشته باشند. شاگردان این مدرسه به سه دسته تقسیم می‌شدند: طبقه ادنی کسانی بودند که به هنگام رفتن به مدرسه بین راه از استاد بهره‌مند می‌شدند و به آنها مشائین گفته می‌شد، طبقه اوسط کسانی بودند که در رواق مدرسه سکونت داشتند و به آنها رواقین گفته می‌شد و طبقه اعلی کسانی بودند که در داخل مدرسه حضور داشتند.

- اشاره به رسم دوره تیموری به هنگام امان خواستن؛ زمانی که امیر تیمور وارد شیراز شد و دستور غارت داد، به درخواست برخی وزرای تیمور امان نامه‌ای به سید شریف جرجانی داده شد و آن امان‌نامه را با تیری از تیرهای تیمور بر در خانه‌اش آویختند (نک: ش ۳۹، شیخ ابوالخیر محمد الجزری (۷۵۱-۸۳۳ق)).

- اشاره به کلاههای بلند طلایی‌رنگ کنیزکان و عمامه مشایخ (ص ۲۸).

- مؤلف در اثنای شرح حالها، از دیگر تراجم نیز نقل می‌کند، مثلاً ذیل ترجمه برهان‌الدین احمد سیواسی (د ۸۰۰ق) مطالبی را از الدرر الکامنه ابن حجر نقل کرده است.

- ارتباط علما با یکدیگر، رابطه استاد شاگردی، اطلاع بر سنت تدریس و تلمذ علوم اسلامی و نیز اسامی مدارس آن روزگار.

- اطلاع بر این نکته که کنیسه‌ها بعد از اینکه سلطان

اردای ویراف‌نامه (روایت فارسی زردشتی)، تصحیح
داریوش کارگر، دانشگاه اوپسالا (سوئد)، ۲۰۰۹.

*Ardāy-Vīrāf Nāma: Iranian Conceptions of the
Other World*, Dariush Kargar, Upsala, 2009.

عسکر بهرامی



اردای ویراف‌نامه (یا ارداویراف‌نامه، و نیز: ارد/تای ویراز/ف‌نامه/مگ)، از گرمی‌ترین کتابها در نزد زردشتیان است. این اثر گزارش سفر روحانی مردی به نام ویراف به جهان دیگر است. او پس از نوشیدن ماده‌ای به خواب فرو می‌رود و به رهنمونی دو تن از یاران نامیرای اورمزد، از جهان دیگر دیدار می‌کند. بخش نخست این سفر دیدار از جهانی است که در آن مردم روزگار به خوشی و شادکامی می‌گذرانند، زیرا که در این جهان مردمانی پارسا بوده‌اند. لیکن در ادامه او به جایی دیگر می‌رود که کسانی در آن پیوسته در رنج و عذاب هستند، از آن رو که در جهان کنونی بدکار بوده‌اند. و سرانجام، سومین جایگاه از آن کسانی است که کردار نیک و بدشان در این جهان به یک اندازه بوده است. ویراف چون از خواب برمی‌خیزد، می‌خواهد گزارش سفرش را بنگارند تا همگان آگاهی یابند که جهان دیگر چه سان است.

تأثیر و اهمیت اردای ویراف‌نامه تا بدان پایه بود که از آغاز پیدایی‌اش، به دست زردشتیان به همهٔ زبانهای مورد استفادهٔ زردشتیان در روزگاران و جوامع گوناگون

برگردانده شد: پهلوی، پازند، سنسکریت، گجراتی قدیم، فارسی زردشتی (چندین روایت منظوم و منثور)، و گجراتی نو (چندین روایت منظوم و منثور). نخستین بار ج. آ. پوپ با تهیهٔ برگردان انگلیسی این اثر (از روی متنهای فارسی زردشتی و گجراتی و ...) و انتشار آن در سال ۱۸۱۶م جامعهٔ پژوهشی را از وجود این نوشته آگاهانید. از پی آن پژوهشگران دیگر به ترجمهٔ متن، پژوهش در بارهٔ آن و به ویژه بررسیهای تطبیقی این روایت از جهان دیگر با آثار مشابهی در فرهنگهای مختلف پرداختند.

در چند دههٔ گذشته چندین برگردان فارسی از متن پارسیگ (فارسی میانه/ پهلوی) در ایران به چاپ رسیده است. افزون بر این، یکی از روایتهای منظوم آن نیز به صورت تصحیح انتقادی منتشر شده، و پیشگفتار روایت فارسی زردشتی نیز، از روی یک دست‌نوشته، تصحیح و با تعلیقات چاپ شده است. کتاب دکتر داریوش کارگر تازه‌ترین پژوهش دربارهٔ روایت فارسی زردشتی اردای ویراف‌نامه است.

این کتاب که در اصل به عنوان رسالهٔ دکتری در دانشگاه اوپسالا سوئد دفاع شده و در سال ۲۰۰۹م به از سوی انتشارات همین دانشگاه منتشر شده است، تفاوت عمده‌ای با کارهای مشابه دارد و پیش و بیش از همه اینکه پژوهشی در بارهٔ روایت فارسی زردشتی این اثر است: در ادامهٔ یادداشت، این پژوهش به طور اجمال شناسانده می‌شود:

خود مصحح هدف از این پژوهش را تهیهٔ ویراستی از متن منثور فارسی زردشتی این اثر و پژوهش پیرامون آن دانسته و حاصل کار خود را در ده فصل آورده است: فصل نخست دیباچه‌ای در معرفی کلی اثر و کار مصحح است و در فصل دوم زمینه و پیشینه‌ای از نسخه‌های مختلف اثر شناسانده شده است. نام شخصیت اصلی این روایت و بحثهای پیرامون صورتهای مختلف نام او در متنها، و شخصیت و روزگارش، نیز در همین فصل بحث شده است. دکتر کارگر همچنین تحقیق مفصلی در بارهٔ اشارات متنهای تاریخی به این شخصیت و سفر او انجام داده که چکیدهٔ آن را در همین فصل آورده است. و باز در همین فصل، برای نخستین بار، خبر از وجود برگردان عربی این اثر داده شده است. سپس



گزارش میراث

فارسی زردشتی را در بر دارد که به نوشته مصحح، نخستین برگردان کامل روایت فارسی زردشتی به یکی از زبانهای اصلی جهان است.

فصل هفتم توضیح و تفسیر برخی واژه‌ها و اصطلاحات متن، نظیر اصطلاحات دینی، آیینها، و چهره‌های اسطوره‌ای و زردشتی ذکر شده در متن است.

در فصل هشتم مصحح کوشیده است روایت فارسی زردشتی را با روایت پهلوی آن بسنجد و بحثی هم دارد در این باره که برخی بخشهای این گزارش تنها در یکی از دو روایت وجود دارد یا اینکه بخشهایی از روایت در یکی مفصل‌تر از دیگری است.

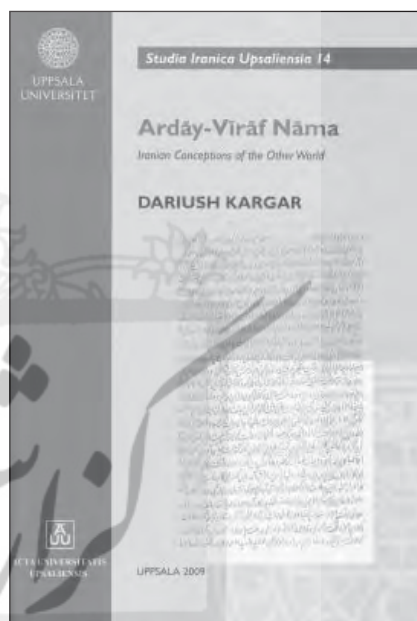
فصل نهم به سنجش دو روایت فارسی زردشتی و پهلوی از منظری دیگر می‌پردازد و این نظر را مطرح می‌کند که اردای ویراف‌نامه خاستگاهی پیش‌زردشتی دارد. مصحح با تشریح تفاوت‌های میان روایت‌های فارسی زردشتی و پهلوی، دیرینگی روایت فارسی زردشتی را نشان می‌دهد. او سپس می‌کوشد با ارائه شواهدی از دو روایت نشان دهد که اردای ویراف‌نامه روایتی است بسیار کهن و متعلق به جامعه ایرانی پیش از زردشت، و اینکه ویراف مردی شمن بوده که به جهان دیگر سفر کرده و داستان خود را در اصل به صورت روایتی حماسی و غیردینی بازگو کرده است. از این روایت حماسی، نشانه‌ها و آثاری را در متن فارسی زردشتی می‌توان بازجست.

در پیوست کتاب، کارگر بحثی پیش می‌کشد در باره شخصیتی به نام دوانوس، که ارداویراف در جهان دیگر با او دیدار می‌کند. از آغاز پژوهش در باب اردای ویراف‌نامه در باره این نام و کیستی آن نیز بحث‌های بسیار شده است. گزارش‌های عربی، فارسی زردشتی و یونانی مربوط به این موضوع نخستین بار در اینجا مطرح می‌شود و نویسنده نشان می‌دهد که این شخص کسی نیست جز داریوش اول پادشاه هخامنشی.

پایان‌بخش کتاب، فهرست طولانی منابع مورد استفاده مصحح است و متن انتقادی اردای ویراف‌نامه فارسی هم در پایان و از سوی راست کتاب صفحه‌آرایی شده و از پی آن هم فهرستی از واژه‌ها، اصطلاحات و فعل‌های مهم متن درج شده است. ■

نسخه‌های مصور اردای ویراف‌نامه معرفی شده و در پایان فصل هم معرفی اجمالی تمام نسخه‌های موجود از اردای ویراف‌نامه به زبانهای مختلف آمده است.

باورهای ایرانیان باستان از جهان دیگر از مهم‌ترین موضوعات پژوهش در دین‌های ایرانی است که اردای ویراف‌نامه از مهم‌ترین منابع در این زمینه است. در فصل سوم این دیدگاه ایرانیان از روزگار باستان تاکنون، بر پایه متن‌های متنوع دینی و تاریخی و ادبی، شناسانده و با متن حاضر، با تکیه بر مشابهات، مقایسه و بررسی شده است. فصل چهارم به معرفی پژوهش‌های پیشین در خصوص روایت فارسی زردشتی اردای ویراف‌نامه اختصاص یافته است.



فصل پنجم شامل توصیف دست‌نوشته‌های روایت فارسی زردشتی این اثر است. هر دوازده دست‌نوشته شناخته شده که در کتابخانه‌های مختلف جهان نگهداری می‌شوند، در این فصل معرفی شده‌اند که البته در مورد شش دست‌نوشته مورد استفاده در تهیه این متن انتقادی، این معرفی با تفصیل بیشتر آمده است. سپس مصحح به شناساندن روش تصحیح خود پرداخته، نمونه‌هایی از واژه‌های متن (نظیر فعل‌های کهن و ساخت‌های دستوری متفاوت) را آورده، و در ادامه هم شجره‌نامه دست‌نوشته‌های مورد استفاده در تصحیح را ذکر شده است.

فصل ششم برگردان انگلیسی متن اردای ویراف‌نامه